

ضرب‌المثل‌های فارسی «ن»

«نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود// مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد» سعدی ...



- «نابردن رنج گنج میسر نمی‌شود// مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد» سعدی
- «نابخانده به خانه خدا نتوان رفت.»
- «نابا عهس، به چماق.»
- «نابا کشی دای تا، ک... نداری باهات دراز کن.»
- «نابا دگ، تا بخواهد خدای» (اگر تیغ عالم بچنید ز جای ...)
- «نابعد نهی شله، د.»
- «نابعد چه، نهی حسم می‌کنی اونوقت سرم را می‌شکنی؟»
- «نابعد چه، شله دید.»
- «نابعد همه این.»
- «نابند بند وقت، بند به خود بند.»
- «نابند، م، کیم واسه سرم خودم می‌خورم و پسر.»
- «نابندون، بله به پله.»
- «نابندون دژدها.»
- «نابندیک شبت بخاب تا خباب آشفته نیینی.»
- «نابند د، کسم با تا نند دت، ا.»
- «نابنیه، نسبه اچ به دعا نسبه.»
- «ناباشیدی شب درازه.»
- «ناباشسته باکه.»
- «نابسیش، از خاک گم در میاد.»
- «نابکده کا، نند بکار.»
- «نابگاه به دست نه کن، مئا، ننه غریبله کن.»
- «نابنشد، ه بعد از م ک سیاب.»
- «نابکی باب، ششش، ماه حاقه ششش ماه لاغر.»
- «نابکی بم، حده و مهاجرت تاج سب آقا سبت.»
- «نابکه که آمد به بازا، کمنه مه، شله دل با، ا.»
- «نابن اینجا، اینجا! کجا بوم به از اینجا؟»
- «نابن بده، اب بده، نه به دنبالش بدو.»
- «نابن بده، ف مهن بده.»
- «نابن به همه کس، بده، اما نان همه کس مخور.»
- «نابنیت، ا تا اب بخر، مئی، اندوه نکش.»
- «نابن خونه، نسبه، سنگش، هم همه همیشه.»
- «نابن خودته، چه کی حرف، م دمه جا مه، نه؟»
- «نابن خودته، چه کی حلم، حاج عباسه هم می‌زنی؟»
- «نابن، ا به اشتماکی مردم نمیشیه خه، د.»
- «نابن، ا باید حید تهی دهندش گذاشت.»
- «نابنیش، نهی، و عینه.»
- «نابنیش، را بشتر بشنیه می‌ماله.»
- «نابن کدابه، و گاه خورد دیکه به کار، رفت.»
- «نابن نام، دکی تهی شکم، مد نم، مهنه.»
- «نابن نزاره، بخره، باز می، خوره اشتهاش واشه.»
- «نابن نکش، اب لوله کش.»
- «نابن اب و نه آبادانی، نه گل‌بانگ مسلمان.»
- «نابن افتاب از اب، گرت م، بشه و نه غلام از اب، سیاه‌تر.»
- «نابن از م، چه، نه از ته دم، بخور، گاهه، برو راهی.»
- «نابن به این خمی نه به اب، قطب ک.»
- «نابن به اون شه، ی شه، ی نه به اب، بم بزمکه.»
- «نابن به نه به دانه، اسپیش، عمه موبدگاه.»
- «نابن ب مده، ب زنده باید کسبت» (گر این تیر از ترکش رستمی است ...)
- «نابن سب دنیایم نه دخت آخرت.»
- «نابن شبت دارم نه مشت.»
- «نابن سب با پای خ بیدن بفسبت نه جوان را برای زن گرفتن.»
- «نابن خانه، اهمیره نه خانه، رفت.»
- «نابن حک، دم نه خونه، عهس، اهد به خونه.»
- «نابن خمد خه، نه کیس، دهه، گنده کم، به سگ دهه.»
- «نابن د، غریب، دلم شاد و نه رویی در وطن دارم// الهی بخت برگردد از این طالع که من دارم»
- «نابن دزد باش، نه دزد زده.»
- «نابن راه سب، دارم نه راه سب.»
- «نابن سب بیازم نه ته سب.»
- «نابن سب ک باسیم نه ته ک باس.»
- «نابن سب م، ا بشک، تو گده تو ی دهنه کن.»
- «نابن سب سب سب نه کباب» (گاری بکن بهر نواب ...)
- «نابن عهس، دنیا نه داماد اخت.»
- «نابن سب شت نه دیدا، عرب.»
- «نابن قم خونه نه کاشتن لعنت به ه، ده‌تاشون.»
- «نابن مال دارم، دیوان سب نه ایمان دارم، شیطان بیره.»
- «نابن نماز، شیک ک، نه اب تهی شپ ک.»
- «نابن ه، که سب تراشید فلندری داد» (ه، ا، نکته نارکت، نه مه اب جاست ...)
- «نابنیش، عفت نه از، ه کین است// اقتضای طبیعتش این است»
- «نابک، ه بسبش.»
- «نابیم‌طیب خطر جان، نیم‌فقیه خطر ایمان»